ارانی نخستین مروج بزرگ، پیگیر و دلیر فلسفه انقلابی و علمی عصر ما در ایران

طی دوران تسلط استبداد و پیشروی فاشیسم در جهان بود. وی علم و عمل، عقیده و جهاد را با هم همراه کرده بود.

ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

در کنفرانسهای علمی

بمناسبت سده میلاد ولادیمیر ایلیچ لنین

موافق تصمیم پلنومهای ۱۲ و ۱۳ کمیته مرکزی حزب توده ایران در آستانهٔ سدهٔ میلاد ولادیمیر ایلیچ لنین پیشوای داهی زحمتکشان جهان سه کنفرانس علمی باشرکت رفقای حزبی ما در خارج از کشور دائر گردید.

در نخستین کنفرانس علمی رفیق کهنسال ما سیروس بهرام (آخوند زاده) که اینک ۸۶ - مین سال زندگی خود را می گذراند تحت عنوان «دیدار من با لنین نابغه کبیر پرولتاریای جهان» سخنرانی کرد. رفیق سیروس بهرام که در موقع خود ماهنامه مردم و مجله دنیا زندگی او را منتشر کرده اند، تنها کمونیست زنده ایرانی است که به افتخار ابدی دیدار با لنین نائل آمده است. در این کنفرانس تحت عنوان «تأثیر اندیشه

بقیه در صفحه ۷

دکتر ارانی

دانشمند مجاهد و شهید

(بمناسبت سی سالگی شهادت وی - بهمن ۱۳۴۸ - ۱۳۱۸)

۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۴۸ درست سی سال از شهادت دکتر تقی ارانی میگذرد. در چنین روزی در سال ۱۳۱۸ در دوران سلطنت استبدادی رضا شاه پهلوی در بیمارستان زندان مرکزی شهربانی تهران بدستور شاه و رئیس شهربانی وقت سرپاس مختاری (رکن

دنباله در صفحه ٤

ارانی شعله‌ای جاوید

سی سال پیش، در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ قلب سوزان ارانی، دانشور مارکسیست، انقلابی جانباز و میهن پرست پر شور در سیاه چالی که واضعین «قانون سیاه» برای نابودی آزادیخواهان ایجاد کرده بودند، از تپش باز ایستاد.

تقی ارانی در سال ۱۲۸۱ در خانواده یك کارمند مالیه در تبریز بدنیا آمد. از پنج سالگی بعلت تغییر محل مأموریت پدرش مقیم تهران شد، در سال ۱۲۹۹ تحصیلات متوسطه خود را در دارالفنون به پایان رساند. سالهای جوانی ارانی مصادف با رویداد های بزرگ در جهان و ایران بود.

نخستین جنگ جهانی و نبرد آشکار و

دنباله در صفحه ۷

سخنان ارانی

چطور میتوان عقایدی را قدغن کرد که ریشهٔ علمی آن با آغاز جامعهٔ بشر شروع شده، در جمیع شعب زندگی فردی و اجتماعی از روی اصول و پایه های کاملا علمی و منطقی اظهار نظر مینماید.

. . .

هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ بشر وجود ندارد که در مدت کوتاه حیات خود باندازهٔ سوسیالیسم و کمونیسم راجع به آن کتاب تألیف و باین کثرت انتشار یافته باشد.

. . .

آیا ممکن است قوانینی که بدست اقلیت وضع شده است شفاف و حاکی از عدالت باشد؟

. . .

فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد.

بقیه در صفحه ۷

شاد باش به دبیر اول
کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیق رضا رادمنش

بمناسبت شصت و پنجمین سال تولد

رفیق و دوست عزیز،

هیئت اجرائیه کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران از جانب خود و کمیته مرکزی و تمام رفقای حزبی شصت و پنجمین سال تولد شما را بشما صمیمانه شادباش میگوید.

شاداز اوان جوانی پای در راه مبارزهٔ انقلابی نهادید و طی این مدت وفاداری خویش را براه طبقه کارگر و اندیشهٔ تابناك مارکسیزم لنینیزم به جنبش جهانی کمونیستی وکارگری بی خلل نگاهداشتید.

شما بعنوان یکی از اعضاء مبرز و قدیمی رهبری حزب و کسی که سالیان درازی است در مقام پر مسئولیت دبیر اولی حزب تودهٔ ایران قرار دارید، تمام نیروی خود را صرف خدمت بحزب تودهٔ ایران کرده اید.

ما برای شما، دوست و رفیق عزیز، عمر درازو کامیابی در راه خدمات بیشتر بحزب و مردم ایران را آرزومندیم.

با درود صمیمانه حزبی
هیئت اجرائیه حزب تودهٔ ایران

نامه شادباش

رفیق والتر اولبریشت

بمناسبت شصت و پنجمین سال تولد
رفیق رضا رادمنش

بمناسبت شصت وپنجمین سال تولد رفیق رضا رادمنش دبیر اول کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران از جانب دبیر اول حزب سوسیالیست متحد آلمان رفیق والتر اولبریشت نامه زیبن

دنباله در صفحه ۷

دنباله از صفحه ۲

کودتای نا فرجام . . .

شرکت کرده‌اند، مشمول عفو عمومی میشوند.
۲ - از مقامات مسئول خواسته میشود کار - مندانی را که از کار کار بعلت شرکت در حوادث کردستان اخراج کرده اند مجدداً بکار گمارند.»

اعلامیه ژوئن ۱۹۶۶ - این اعلامیه در زمان حکومت عبدالرحمن براز صادر گردید. طبق این اعلامیه مقرر کرد بطور رسمی شناخته میشود، زبان کردی در مناطقی که اکثریت با کردهاست زبان رسمی خواهد بود. کردها در تمام فعالیتهای دولتی به نسبت جمعیت خود حق شرکت خواهند داشت. جوانان کرد خواهند توانست در دانشگاههای تمام کشور تحصیل کنند. کرد هائی که در ارتش و شهربانی بوده اند بواحد های خودبازگردند ویك وزارتخانه مخصوص برای تجدیدساختمان منطقه کرد نشین شمال تأسیس میشود. مقامات مسئول عراق از دو ماه پیش تصمیماتی برای فراهم کردن زمینه حل اختلافات اتخاذ و دستور هائی در زمینه امور فرهنگی صادر کرده اند. طبق این دستور ها از این پس کرد ها در تمام مؤسسات فرهنگی حتی در آکادمی نظامی حق تحصیل خواهند داشت و نویسندگان کرد حق تشکیل مجامع و تأسیس جرائد خود را دارند.

اینك دولت عراق توطئه‌ای را که امپریالیستها چیده بودند درهم شکسته است وزراء عاقلانه‌ای را برای پایان دادن بجنگ داخلی و اصلاحات دموکراتیك در پیش گرفته و امید است که با کامیابی همراه باشد. ولی بدون تردید ارتجاع و امپریالیسم و حکومت ایران که با اهرام نیرو بمرز های عراق این کشور را تهدید میکنند، از پای نخواهند نشست و بهر گونه توطئه و تحریکی دست خواهند زد. آنها سعی خواهند نمود که از احساسات تند عناصر افراطی که با حل مسئله کرد بر اساس موافقت نامه ژوئن ۱۹۶۶ ناخشنودند و همچنین از پاره‌ای عناصر ارتشی که بعلت جنگ داخلی دارای امتیازاتی شده‌اند علیه حکومت عراق استفاده کنند و مشکلات تازه‌ای بوجود آورند. تنها راه مقابله با اینگونه تشبثات ایجاد جبهه واحد و متحدی از تمام نیرو های مترقی داخلی، ادامه اصلاحات دموکراتیك و توسعه و تعمیق آنها و استفاده از کمك های بی شائبه ایست که جبهه صلح و سوسیالیسم برهبری اتحاد جماهیر شوروی بجنبش های صلح خواهانه و مترقی مینماید. در پایان مقال ذکر این نکته لازم است که مردم ایران علاقمند بوجود عراقی مترقی و دموکراتیك درهمسایگی خود هستند و هیچگاه نباید اقدامات دولت ایران را بحساب مردم ایران گذاشت. پیروزی مردم عراق در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بنفع مبارزهٔ مردم ایران است همچنانکه پیشرفت جنبش ملی در ایران در جنبش مردم عراق مؤثر بود.

۱. گویا

دنباله از صفحه ۱

درکنفرانس علمی

بمناسبت سده میلاد و. ای. لنین

های لنین در جنبش کارگری ایران»، «لنین و آزادی‌خلقهای‌شرق درنبوغ وطن‌ما ایران»، «سیمای لنین در ادب تاجیك»، «سیاست خارجی لنینی اتحاد شوروی واستقلال ایران»، «سیمای لنین در شعر معاصر فارسی»، «لنین و ایران» سخنرانیهائی انجام گرفت.

در دومین کنفرانس علمی سخنرانیهای زیرین انجام گرفت: «مراحل اصلی انتشار اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم در کشور های خاور میانه و نزدیك»، «تأثیر ایده های لنین در تکامل ایده ئولوژیك جنبش آزادی بخش و استقلال ملی ایران»، «چهرهٔ لنین در هنر های زیبای ایران»، «چهرهٔ لنین و تم اکتبر در ادبیات دموکراتیك فارسی و آذربایجانی»، «لنین و ایران» «برخورد لنین به آثار باستانی خلقها».

در سومین کنفرانس علمی سخنرانیهای زیرین انجام گرفت: «اهمیت جهانشمول لنینیسم»، «لنین و انترناسیونالیسم پرولتری»، «لنین و وحدت جنبش جهانی کمونیستی و کارگری»، «سیمای جهانی لنین»، «لنینیسم ومبارزات رهائی بخش ملل‌شرق»، «تعلیمات لنین در باره تأسیس دولت و حقوق ملی در کشور های آزاد شده»، «برخورد لنین به نقش ارتشیان درجنبشهای آزادی بخش‌ملی»، «لنین و تحلیل موقعیت تاریخی و اهمیت بین المللی انقلاب مشروطه ایران»، «لنین و احیاء استقلال ملی ایران»، «آموزش لنینی امپریالیسم و برخی پدیده های نفوذ امپریالیسم معاصر در ایران»، «لنینیسم و رفورمهای اجتماعی - اقتصادی در ایران»، «تعالیم‌لنین و مرحله کنونی مبارزه نیرو های ملی و دموکراتیك در ایران»، «ایده های لنین‌بزرگ و نمودِ انعکاس آن در ادبیات معاصر ایران»، «سیمای لنین در ادب فارسی».

روبهمرفته ۲۷ سخنرانی در کنفرانس های سگانه انجام گرفت.

در همه کنفرانسها مهمانان و ایران شناسان معروف محل حضور داشتند.

از طرف رهبری حزب در کنفرانسهای سگانه رفیق احسان طبری حضور یافت و سخنرانی کرد. کنفرانسهای سگانه درفضای برخورد جدی و پرشور و شرکت فعالانه حاضران در بحث برپا گزار شد و علامت‌روشن احترام و اعتقاد بی پایان رفقای ما به ولادیمیر ایلیچ لنین و آموزش انقلابی وی بود.

گزارش تفصیلی این کنفرانسها در مجله دنیا (ویژه نامه لنین - شماره بهار سال ۱۳۴۹) درج خواهد شد.

شعبه تبلیغات و انتشارات حزب خواهد کوشید، چنانکه در مورد سخنرانیهای سبتار های سگانه «انقلاب اکتبر و ایران» انجام گرفت، مجموعه سخنرانیها را بصورت کتابی نشر دهد. این بهترین وسیلهٔ انتقال تجارب فکری و عملی رفقای ما در خارج از کشور به نسل نوین زرمندگان انقلابی است.

دنباله از صفحه ۱

نامه شاه باش

رفیق والتر اولبریشت

ارسال گردید:

رفیق رضا رادمنش محترم،

ازجانب کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و از جانب خود بمناسبت شصت و پنجمین سال تولد شاصمیمانه ترین شادباش ها و درودهای پیکار جویانه را ابلاغ میدارم. شما در تحکیم دوستی بی خلل و پیوند نزدیك پیکار جویانه بین حزب سوسیالیست متحد آلمان و حزب تودهٔ ایران بسر پایهٔ مارکسیزم‌لنینیزم و انترناسیونالیزم پرولتری سهم جدی دارید.

رفیق رضا رادمنش عزیز اجازه دهید شما را نسبت به همبستگی برادرانه کمیته مرکزی حزب متحد آلمان مطمئن سازم.

امید است شما سالیان دراز از تندرستی کامل و کار خلاقه موفقیت آمیز برای رهائی خلق ایران و در راه صلح و دمکراسی و سوسیالیزم بهره مند باشید.

دبیر اول حزب سوسیالیست متحد آلمان
والتر اولبریشت

«در پاسخ نامه فوق از جانب حزب توده ایران نامه تشکر آمیزی بدنبال رفیق والتر اولبریشت ارسال گردیده است.»

دنباله از صفحه ۱

سخنان ارانی

. . .

محصولات انقلاب که جریان طبیعی تاریخ آنها را ایجاد کرده حقانیت دارد.

. . .

قانون اساسی فعلی ایران محصول یك انقلاب خونین این ملت است که برای تحصیل آن در هر گوشه از خون جوانان وطن لاك دمیده است.

. . .

قانون اساسی هنوز از نظر عدالت خیلی ناقص و بهمان ترتیب که تحصیل شده باید کامل گردد.

. . .

آیا غرض قانون اساسی از آزادی عقاید همین قدغن کردن کلیه عقاید بوده و آن خونها برای همین ظلم امروز ریخته شده است؟

. . .

چقدر برای یك جامعه سنگین است که طرفداری رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات میشود.

. . .

قوه قضائیه خوابیده و میرغضب های جامعه با فعالیت تمام بیدارند.

از دفاعیه دکتر ارانی در دادگاه پنجاه و سه نفر

دنباله از صفحه ۱

ارانی شعله‌ای جاوید

پنهان امپریالیست های متخاصم در سرزمین ایران، اشغال نهائی کشور بوسیله نیرو های نظامی امپریالیسم انگلستان در سال ۱۲۹۷ وسر انجام تحمیل قرار داد ننگین سال ۱۲۹۸ که ایران را به مستعمرهٔ انگلستان مبدل میساخت، کودتای سید ضیاء الدین - رضاخان در سال ۱۲۹۹، افزایش روز افزون قدرت مطلقه رضا خان و تثبیت نهائی دیکتاتوری فردی او در سال ۱۳۰۴ - همگی از نفوذ بیش ازپیش امپریالیسم وگسترش هرچه بیشتر دامنه استبداد در ایران حکایت میکرد. این سالها درعین حال دوران نضج جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیك در ایران بود. در نتیجه تشدید تضاد های داخلی و تحت تأثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر جنبش انقلابی در ایران گسترش‌یافت. قیام آذربایجان در سال ۱۲۹۹ بسر کردگی شیخ‌محمدخیابانی، اعلامیه جمهوری در گیلان و تشکیل دولت انقلابی موقت به ریاست کوچك‌خان، قیام کلنل‌محمد تقی خان در خراسان در سال ۱۳۰۱ و سپس قیام لاهوتی در آذربایجان نمونهٔ این جنبش بود. اگر چه تمام این قیام ها با شکست روبرو شدند، ولی در عین حال نشان دادند که مردم‌ایران‌در برابر دسائس‌امپریالیسم و استبداد تسلیم نمیشوند.

دکتر ارانی‌فرزند این دوران پر تلاطم تاریخ ایران بود و این حوادث بی شك در شیوهٔ تفکر، جهان بینی و مسیر زندگی او تأثیر عمیق باقی گذاشتند. شرکت فعال تقی ارانی در سن ۱۷ سالگی درتظاهراتی که تحت تأثیر این حوادث از طرف دانشجویان تهران بعمل میامد، حاکی از این امر است.

تقی ارانی در سال ۱۳۰۱ برای‌ادامه تحصیل به آلمان رفت و در رشته شیمی به تحصیل پرداخت. دوران اقامت هشت ساله ارانی‌در آلمان دوران فعالیت سیاسی و انقلابی فردی است که در راه جهان بینی علمی مارکسیستی گام نهاده است. در این سالها جنبش کارگری در آلمان در حال پیشرفت بود. ارانی که تضاد های جامعه نیمه فئودالی و نیمه مستعمرهٔ ایران را به چشم دیده وشاهد پیکارهای خونین نافرجام مردم ایران بود، بزودی تحت تأثیر جنبش انقلابی طبقه کارگر و افکار مارکسیستی قرار گرفت. ارتباط ارانی با محافل دانشجویان کمونیست ایران در آلمان که تحت رهبری سلطان زاده، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بوجود آمده بود ارانی را وارد فعالیت علمی انقلابی ساخت. ارانی در کنار اداره و نویسندگی «پیکار» و «پیرن انقلاب» که در آلمان انتشار میافتند و نیز در فعالیت سازمان غیر علنی مبارزه با استبداد رضا شاه شرکت فعال داشت. ارانی در آلمان به فراگرفتن آخرین کلاسیك های مارکسیسم و بررسی مطبوعات مارکسیستی پرداخت و در نتیجه مطالعات خود در رشته‌های مختلف علوم‌دقیقه

دنباله در صفحه ۸

ضرورت تاریخی

همزیستی مسالمت‌آمیز بین دو دولت آلمان

در بارهٔ کنفرانس مطبوعاتی والتر اولبریشت دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان ورئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان

روز دوشنبه ۱۹ ژانویه (۲۹ دیماه) سال جاری کنفرانس مطبوعاتی بزرگی در برلین پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان تشکیل شد. خبر تشکیل این کنفرانس توجه فراوان محافل اجتماعی جهان را بخود جلب کرده بود. بامداد روز ۱۹ ژانویه گروه بزرگی از نمایندگان جرائد و مجلات و مخبرین رادیو و تلویزیون از سراسر جهان و ازجمله از نیویورک، لندن وبن برای استماع سخنرانی والتر اولبریشت دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان در بنای شورای دولتی آلمان سوسیالیستی گردآمده بودند. بسیاری از روزنامه‌نگاران کشورهای غربی که در صفحات روزنامه‌های خود در عدم شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان عناد میورزند در این سفر بار دیگر واقعیت عینی موجودیت این جمهوری مستقل حاکم بر حقوق خویش را برای العین مشاهده کردند. همه آنها برای ورود بپایتخت آلمان سوسیالیستی می‌بایست از مقامات جمهوری دموکراتیک آلمان جواز رسمی دریافت دارند.

بیش از ۳۰۰ روزنامه‌نگار در تالار دولتی بانتظار سخنرانی رفیق والتر اولبریشت بودند.

پروفسور آلبرت نوردن عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان کنفرانس مطبوعاتی را گشود و رشته سخن را به رفیق اولبریشت سپرد.

رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان ضمن سخنرانی عمیق و جامع خود محتوی طرح قرار داد پیشنهادی جمهوری دموکراتیک آلمان را در باره برقراری مناسبات مبتنی بر حقوق بین‌المللی میان دو دولت آلمان تشریح کرد و اظهاراتی را که ولی برانت صدر اعظم آلمان غربی چند روز پیش از آن در مجلس آلمان غربی کرده بود مورد تحلیل نقاد قرار داد.

فقط یك راه وجود دارد

رفیق والتر اولبریشت در آغاز سخن گفت:

موضوعی که در اینجا از آن سخن خواهد رفت چگونگی عقد قرار داد تنظیم مناسبات میان جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان غربی است که مسائل جنگ و صلح و آرامش و امنیت لازم برای کار سازنده انسانها و از جمله ملل اروپا را دربر میگیرد. ضرورت تاریخی همزیستی مسالمت آمیز هر دو دولت آلمان و تجربه سالهای اخیر عقد قرار داد تنظیم مناسبات عادی مبتنی بر حقوق و موازین بین‌المللی و برابری حقوق و فارغ از هر گونه تمیض میان این دو دولت را ایجاب میکند. ما میدانیم که برای حصول این مقصود فقط یکراه وجود دارد و آنهم راه همزیستی مسالمت آمیز است. بهمین جهت بود که ما بار دیگر پیشگام شدیم و پیشنهاد کردیم که در ژانویه سال ۱۹۷۰ میان رئیس هیئت وزیران جمهوری دموکراتیک آلمان و صدر اعظم فدرال آلمان غربی مذاکراتی پیرامون این قرارداد صورت گیرد.

والتر اولبریشت خاطر نشان ساخت که جمهوری دموکراتیک آلمان با پیشنهاد عقد این قرار داد راه حل معقولی برای مسائل موجود نشان میدهد که منافع همگان را در بر دارد. هدف مساعی دولت جمهوری دموکراتیک آلمان بازداشتن آلمان غربی از سیاست تلافیجوئی و جلوگیری از تسلیح اتمی و از سیاست جنگ و کمك بمبارزه ایست که مردم آلمان غربی و در درجه اول زحمتکشان و جوانان آلمان غربی در راه صلح و تأمین آینده بهروز خود انجام میدهند.

شکست کامل سیاست تلافیجوئی

رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان نطق صدر اعظم آلمان برانت را در مجلس آلمان غربی « نطق مشحون از تضادهای عمیق » نامید و گفت صدر اعظم آلمان غربی در این نطق هیچگونه پیشنهاد سازنده‌ای که بسود تأمین همزیستی مسالمت آمیز میان دو دولت آلمان باشد مطرح نساخته است. رفیق والتر اولبریشت افزود که سیاست تلافیجوئی آلمان غربی با شکست کامل مواجه شد و اینك برای دولت بن فرصت نیکوئی دست داده است تا از تاریخ درس بگیرد و سیاست تلافیجوئی را که هیچگونه دورنمائی برای آن متصور نیست بکلی ترك گوید.

والتر اولبریشت به تحلیل مفهوم ملت آلمان که صد سال پیش بسیارك اجزاء آنرا با « گلوله و خون » بهم پیوند داده بود توجه فراوان معطوف داشت و گفت آلمان پس از هر جنگ کوچکتر از پیش شد و سر انجام امپریالیستهای آمریکا و آلمان غربی دست بدست هم دادند و ملت آلمان را تجزیه کردند و آنگاه این عمل را « با قرار دادهای پاریس که آدنائر بر خلاف اراده مردم آلمان غربی آنها را امضا کرد تثبیت نمودند ». اگر صدر اعظم برانت با این قرار دادها موافقت دارد و آنها را بقوت کامل خود باقی میداند با این وصف « چگونه میتواند از وحدت آلمان سخن گوید؟ ».

والتر اولبریشت سپس خاطر نشان ساخت که طرح قرارداد پیشنهادی جمهوری دموکراتیک آلمان در باره هادی کردن مناسبات میان دو دولت آلمان با اعلامیه چند ملاقات رهبران کشورهای سوسیالیستی، کمتر آغاز دسامبر سال گذشته در مسکو بر گزار شد مطابقت کامل دارد. صدر اعظم آلمان غربی و دولت او همراه با نمایندگان حزب دموکرات مسیحی پیشنهاد انعقاد قرار داد با جمهوری دموکراتیک آلمان را رد کردند و حال آنکه چنین قراردادی بویژه وثیقه تأمین صلح اروپا خواهد بود.

در آلمان غربی مدعیند که طرح این قرار داد گویا « حداکثر خواستهای » جمهوری دموکراتیک آلمان را در بر میگیرد. ولی اگر این طرح بدقت بررسی گردد دیده میشود که از هر جهت با موازین بین‌المللی مناسبات موجود میان دولتها و ملل مطابقت دارد و در آن هیچ پیشنهادی نیست که برای جمهوری دموکراتیک آلمان برتری قائل شود و حقوق جمهوری فدرال آلمان را خدشه دار سازد. طرح این قرار داد اصول برابری حقوق و نفی هر گونه تمیض را ملاك قرار میدهد و پدیشان حداقل خواستهای جمهوری دموکراتیک آلمان را در بر دارد.

راه تحقق امکان خود داری از توسل بزور

رفیق والتر اولبریشت سپس اظهارات برانت را درباره امکان مذاکرات پیرامون خود داری از توسل بزور در مناسبات میان دو دولت آلمان مورد تحلیل قرار داد و گفت اصولا چنین پیشنهادی در طرح قرارداد نیز مطرح شده است. وانگهی باید باین حقیقت بدیهی توجه داشت که قرار داد خود داری از توسل بزور فقط زمانی میان دو دولت منعقد میشود که آن دو دولت یکدیگر را بر پایه حقوق و موازین بین‌المللی برسمیت شناخته باشند. اگر دولت بن واقعاً خواستار پیشنهاد عقد چنین قرار دادی با جمهوری دموکراتیک آلمان است باید جدی بودن این تمایل را با شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان بعنوان یك دولت حاکم بر حقوق خویش و بعبارت دیگر با بر قراری مناسبات مبتنی بر برابری حقوق با این دولت به ثبوت برساند.

والتر اولبریشت در این زمینه تصریح کرد که انعقاد قرار داد خود داری از توسل بزور میان کشورهای سوسیالیستی از یکسو و آلمان غربی از سوی دیگر « امر مشترك کشورهای سوسیالیستی است ».

سخنران ضمن اشاره بمسئله برلین گفت که این شهر « به جمهوری فدرال آلمان تعلق ندارد و هرگز هم بآن تعلق نخواهد داشت ».

در باره تشکیل کنفرانس امنیت اروپا والتر اولبریشت خاطر نشان ساخت که جمهوری دموکراتیک آلمان برای تدارك و برگزاری این کنفرانس تمام نیروی خود را بکار خواهد برد و ضمناً تصریح کرد که تمام دولت های اروپائی و از آنجمله هر دو دولت آلمان باید بر پایه برابری کامل حقوق در این کنفرانس شرکت کنند و دولت آلمان غربی که میکوشد شرکت خود را در این کنفرانس در گرو « نتایج مذاکرات میان دو دولت آلمان » بگذارد باید از هر گونه مانوری در این زمینه دست بردارد.

رفیق والتر اولبریشت در پایان سخن رانی خود گفت:

اگر دولت آلمان غربی میخواهد سیاست انسانوستانه و خردمندانه در پیش گیرد باید برای همیشه از سیاستی که « ماهیت و هدف آن ضد انسانی و تجاوزکارانه است » و از هر گونه نقشه‌های تلافیجویانه علیه جمهوری دموکراتیک آلمان دست بکشد و در قبال موجودیت سوسیالیسم در خاك آن ساز گار گردد. و اما شرط تحقق این هدف عبارت است از:

شناسائی بی‌چون و چرای وضع موجود در اروپا و بویژه شناسائی هستی دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان بر پایه حقوق و موازین بین‌المللی، شناسائی بی قید و شرط مرزهای میان جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان بعنوان مرزهای رسمی دولتی، امتناع کامل از دعوی انحصار حق نمایندگی سراسر آلمان و از « دکترین هالشتاین »، خودداری از هر گونه تمیض در حق جمهوری دموکراتیک آلمان و اتباع آن و نیز برقراری مناسبات عادی میان دو دولت آلمان بر پایه حقوق بین‌المللی و برابری حقوق.

دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان پس از پایان سخنرانی خود به سئوالات عدیده‌ای که روزنامه نگاران مطرح ساختند و تعداد آنها از ۶۰ سئوال متجاوز بود پاسخ داد و از جمله در پاسخ به دبیر ان دو روزنامه سندیکائی آلمان غربی گفت، « تمام آنچه کما بیش گفتیم و میباید بگوئیم در طرح قرار داد پیشنهادی خود گفته‌ایم و اکنون در انتظار پاسخ رسمی به پیشنهاد خویش هستیم ».

شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان حکم زمان است

شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان اکنون به جنبشی مبدل شده است که روزبروز عده بیشتری از کشورهای جهان را فرا میگیرد. تنها طی یکسال و چند ماه اخیر جمهوری یمن، کامبوج، عراق، سودان، سوریه، مصر و کنگوی برازاویل جمهوری دموکراتیک آلمان را برسمیت شناخته‌اند و در خود آلمان غربی نیز حتی در میان محافل حاکمه آن شناسائی این جمهوری پیوسته هواداران بیشتری پیدا میکند.

در این میان دولت ایران با سست گیری یکجانبه بسود سیاست تجاوزکارانه کشور های امپریالیستی و برخلاف روح زمان در عدم شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان عناد بخرج میدهد. به پیروی از همین سیاست دولت ایران چندی پیش روابط بسیار محدود اقتصادی و بازرگانی خود را نیز با این جمهوری بسود محافل تجاوزکار امپریالیستی آلمان غربی و امریکا قطع کرد و برعکس روابط اقتصادی خود را با انحصارات تراستهای آلمان غربی بیش از پیش توسعه داد.

دنباله در صفحه ۶

دکتر ارانی دانشمند و مجاهد شهید

الدین) دکتر تقی ارانی را با بشیوهٔ متداول در آن دوران یعنی با دغلی و فریبکاری به کاران جبون نابود کردند و بدین ترتیب دانشمند ترین روشنفکر ایرانی را که بدفاع از عقیده و علم مردانه ایستاده بود بدیار نیستی فرستادند . ایران آنروز بوجود چنین کسیکه در علوم طبیعی و اقتصادی عصر خویش قوی چنگ بود و بی افران در گروه معدود روشنفکران آنزمان از جهت دامنه دانش و ژرفای آن همتائی نداشت نیاز بسیار داشت . ولی استبداد خونخوار را مناقع دددمنشانهٔخود گرامی تر بود تا مصالح فرهنگ و تکامل یك ملت . دژخیم دست پلید خود را فرود آورد ، بی آنکه پروا کند چگونه چراغی را خاموش میسازد .

در بارهٔ ارانی سخنان بسیار گفته شده و میتوان گفت ولی ما میخواهیم تنها به قوی ترین جهت شخصیت او که ترویج پیگیر و دلیرانه فلسفه انقلابی وعلمی عصر ما«ماتریالیسم دیالکتیك در دشوار ترین شرایط در ایران و جهان و با قبول خطر حتمی مرگ» است بپردازیم . ارانی از ایام اقامت آلمان بامکتب فلسفی مارکس ، انگلس و لنین آشنا شد و بتمام معنی مجذوب صلابت منطقی و عدالت و علمیت احکام و اهمیت و فعلیت نظریات این جهان بینی گردید . ارانی آموزش مارکس، انگلس و لنین را فرا گرفت و هضم کرد . وی یك ناقل خشك و جامد و کتابی این آموزش نیست . تمام آثار او نشان میدهد که ارانی نه فقط در ادراك و ارائه این آموزش روشی خلاق داشت ، بلکه برای انطباق آن بر عرصه های مختلف علوم طبیعی زمان‌خود کوشید و در راه انطباق آن بر سیر تاریخ تفکر در کشور ما ایران نیز گامهای نخستین را برداشت . ارانی اعتقاد راسخ داشت که تنها در سایه این جهان بینی جامعه بشری و حیات معنوی آن قادر است به تکامل سریع و تحول کیفیی بزرگی نائل آید و جامعه ایران نیز جز این کلیدی برای گشودن معضلات خود ندارد .

ارانی در اثر ارزنده خویش موسوم«به «تئوریهای علم» در این باره چنین مینوشت:

«تنها ماتریالیسم عمیق و قوی ، یعنی ماتریالیسم دیالکتیك» و اصول مادی ومنطقی میتواند ، با تئوری متحد الشکلی تضاد علوم را مترقم سازد و بدون شك در سایه همین اصول و اسلوب ، علم و اجتماع صورت‌جدید بخود گرفته و ترقیات سریعی که از دایره ادراك متفکرین امروز خارج است ، خواهد نمود» .

پیش یعنی ارانی را که از اعتقاد علمی و برخاسته است سیر آتی حوادث ثابت کرده و بیش از پیش ثابت خواهد کرد .

ارانی شیفته حقیقت وعلمیت و از توسل به ضد حقیقت بیزار بود و این روحیه از آثار او همه جا میتراود . وی در اثر خود موسوم به «بشر از نظر مادی» نفرت خویش را از مقلعه گران در علم و حقیقت بیان میدارد و مینویسد :

« گاه یك عده پیدا میشوند که تحت تأثیر منافع طبقاتی خود ، در علم هم تقلب میکنند و دروغ میگویند ، دروغگوئی در علم وقیح ترین اقسام کذب است» . همین اندیشه را در اثر دیگر خود «ماتریالیسم دیالکتیك» تکرار میکند و مینویسد :

«غم مادی رؤیت عده ای از طبقات را چنان معدود میکند که بخودشان هم‌دروغ میگویند» .

ولی ارانی که بنافع توده های زحمتکش میهن خود ، بنافع وسیع بشریت زحمتکش تکیه داشت نیازی و تقی نداشت که بخود دروغ بگوید یا در حقایق علمی تغلیط کند ، حقیقتی را که او یافته بود یك حقیقت مبهم ماورا، طبقات نبود . این حقیقت مارکسیم بود که بقول لنین نیرومند است زیرا راستین است . این حقیقت آموزش ماتریالیسم دیالکتیك بود که میتوانست سرنوشت سعادت بشری را بدست دهد . وی در اثر خود «عرفان و اصول مادی» مینویسد :

«اصول مادی و منطقی امروز بشر ، بتمام علوم ، صنایع و اجتماعات و هنر ارتباط کامل دارد و او را از خرافات اعم از اینکه در قسمت طبیعی یا بیولوژی یا بسیکولوژی یا سوسیولوژی باشد ، خلاص کرده و بوی راه خوشبختی را نشان داده است .

در همین اثر جای دیگر وابستگی کامل اسلوب فکری خود را با ماتریالیسم تاریخی بیان میدارد و تصریح میکند که بررسی او از عرفان بطور اعم و عرفان ایرانی بطور اخص بر اساس اسلوب تحقیقی ناشی از این تئوری انجام گرفته است . ارانی مینویسد :

«برای ما یك قضیه مجرد و مجزی در وسط تاریخ وجود ندارد . ما فلسفه مادی‌تاریخ را بعنوان یك عصب و شریان اصلی در نظر گرفته ، نو عقاید را اعم از عرفان یا غیر آن مطالعه نمودیم تا محل و موقعیت عرفان در میان تمام عقاید واضح شود» .

ارانی طی کمتر از دهسال ، از سال ۱۳۰۵ تا سال ۱۳۱۵ تعداد کثیری کتاب و رسالات نگاشته است که برخی از آنها بصورت سلسله مقالات در مجله دنیا چاپ شده است . قصد ارانی آن بود که تمام باصطلاح او «علوم دقیقه» یعنی فیزیك، شیمی، فیزیکو-شیمی ، زیست شناسی ، روانشناسی و جامعه شناسی را با اسلوب دیالکتیك مورد بررسی و تنظیم قرار دهد . ارانی در این بحث خود بدنبال آن عده از دانشمندان مارکسیست اروپائی میرفت که در آنهنگام مجامعی پدید آورده و علوم را در پرتو مارکسیم توضیح میدادند اند . او در واقیع نیز باین کار عظیم دست زد و کتب فیزیك ، شیمی ، فیزیکو-شیمی ، بیولوژی و بسیکولوژی منتشر گردید . در کنار این آثار تدریسی که در آن جهان‌بینی واسلوب منطقی مورد اعتقاد ارانی منعکس است ارانی یك سلسله آثار دیگر نیز نشر داده است . از سلسله مقالات او در مجله دنیا میتوان از «تکامل ، تبعیت بمحیط ، ارث» ، «ماتریالیسم دیالکتیك» ، «زندگی و روح هم مادی است» ، «عرفان و اصول مادی» ، «بشر از نظر مادی» ، «زن و ماتریالیسم» نام برد .

در سال ۱۳۱۰ ارانی کتاب مهم و عمیق خود «تئوریهای علم» را منتشر کرد و در آن به بررسی نقادانه تئوریهای معاصر فیزیك از دید گاه ماتریالیسم دیالکتیك پرداخت ، ما دیگر از فعالیتهای ادبی و تحقیقی ارانی مانند نگارش مقدمه بر اثر «وجه دین» ناصرخسرو و تصحیح و تحشیه «شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس» خیام سخن نمیگوئیم که هر یك در جای خود دارای ارزش است .

در نوشته های فلسفی ارانی که بطور عمده بر پایه اثر مارکس «سرمایه» آثار انگلس «آنتی دورینگ» و منشاء خانواده و دولت» اثر لنین «ماتریالیسم و آمپریو-کریتیسیم» نگاشته شده است و یا از کتب متداول توضیحی آن ایام فیش گرفته است بطور اساسی مسائل فلسفه مارکسیستی اعم از دیالکتیك ، ماتریالیسم فلسفی و ماتریالیسم تاریخی توضیح میشود . بعنوان نمونه و برای آشنائی مشخص تر با سبك فکر و تحقیق ارانی یکی از مهمترین مقالات وی را موسوم به «ماتریالیسم دیالکتیك» موردبررسی قرار میدهیم . در بخش اول و دوم این سلسله مقالات (که با امضاء مستعار «احمد قاضی» در مجله دنیا نشر یافت) ارانی بر اساس کتاب انگلس « آنتی دورینگ » و پایان فلسفه کلاسیك آلمان » کتاب لنین «ماتریالیسم و آمپریو کریتیسیم » (یا بقول ارانی «فلسفه مادی و حسی - انتقادی ») تئوری شناخت مارکسیستی را بررسی میکند ، مکاتب مختلف ایده‌آلیستی ، آمپیریك، پوزیتیویستی و نیز ماتریالیسم متافیزیك را مورد انتقاد قرار میدهد و عقاید افلاطون ، لایبنیتس ، دکارت ، برکلی ، کانت ، هیوم، هگل ، شوپنهاور ، او گوست کنت ، ماخ ، بر گسن و دیگران را بعنوان نمایندگان مکاتب مختلف ایده - آلیستی باتکاء تحلیل انتقادی مردود میشمرد . دکتر ارانی وسیعا از علوم ریاضی و طبیعی معاصر خود برای اثبات صحت تئوری شناخت ماتریالیستی ، اثبات واقعیت جهان خارج از ذهن انسان و رابطه مطابقت و نسبت در معرفت انسانی استفاده میکند و سوء استفاده طرفداران ایده آلیسم فیزیك و دیگر مکاتب علم نمای فلسفی معاصر را برملا میسازد . در بخش سوم این سلسله مقالات اصول دیالکتیك مطرح میشود . ارانی میکوشد منظره ای از تاریخ تکامل اسلوب دیالکتیك از زمان هراکلیت تا مارکس ترسیم کند و تفاوت هر مرحله را نسبت بمرحله پیشین نشان دهد . وی منطق دیالکتیك را با منطق موروثی که ارانی آنرا «منطق جامد» مینامد مورد مقایسه قرار میدهد و اصول دیالکتیك را مانند تغییر و ارتباط ، تکامل ، وحدت و نبرد ضدین (یا بگفته ارانی «نفوذ ضدین») تغییر کمیت به کیفیت ، قانون نفی در نفی و پیدایش نو از کهنه و تکامل از طریق کج (یا بقول ارانی حکم) و آنتی تز (یا بقول ارانی ضد حکم) و سنتز (یابقول ارانی حکم ترکیبی) شرح میدهد ، این سلسله مقالات نخستین وجامع ترین بیان اسلوب دیالکتیك مارکسیستی در زبان فارسی است و طرف سخن ارانی در این سلسله مقالات نسل جوانی است که بویژه در تهران با علاقه و هیجان بمجله دنیا روی آورده بود و از آن نشیه تازه ای می شنید است . بیهوده نیست که ارانی سلسله مقالات مورد بحث خود را با این عبارت ختم میکند ،

تربیت فکر خوانندگان جوان ، نظر اساسی مجله دنیاست» .

ارانی نه تنها ماتریالیسم دیالکتیك را با عمق تمام درك کرده و توضیح داده است، استیاط وی از ماتریالیسم تاریخی نیز بهمین اندازه عمیق است . در آثار مختلف ارانی مانند «تئوریهای علم » ، «عرفان و اصول مادی » ، «بشر از نظر مادی» استیاط ماتریالیسم تاریخی بیان شده است . سودمند است دراین باره نیز نمونه هائی بدست بدهیم ارانی در اثر برجسته خود « تئوریهای علم» ، قانونیت پدیده های تاریخی ، صورت و متضلیت تاریخی پدیدایش این یا آن جریان» این یا آن دوران را مورد بحث قرار میدهد و با نظریه ایده آلیستی که تاریخ را انبوه درهم تصادفات غیر قابل توضیح و نامعقول میشمرد مخالفت میکند ، از جمله در این‌زمینه مینویسد :

ایده آلیست عقیده دارد پیدا شدن «فئودالیسم» در قرون وسطی نا گهانی بود و اسباب به بختی بشر شد و تکامل جامعهٔ بنی نوع بشر را بمدت سویق انداخت . متفکر مادی منطقی از این اشتباه بری است ومیداند که وضعیت قرون قدیمه خود ، ظاهر شدن اصول فئودالیسم را ایجاب میکرد . اگر اینطور نبود ظاهر نمیشد . از طرف دیگر خود اصول فئودالیسم قرون وسطی پایه و اساس پیدا شدن مراکنز قدرت در قرون جدیده و پیشرو ظهور طبقهٔ بورژوازی است، یعنی برای آنکه حالت بعد بظهور برسد ، باید حالت قبل وجود داشته باشد» .

درهمین اثر ارانی نظریه ایده آلیستی را دائر بآنکه نسبت و تغییر پذیری معرفت انسانی دلیل بر آنست که این معرفت دارای محتوی واقعی نیست رد میکند ومنظرهٔ تکامل تئوریهای علمی را بمثابهٔ منظره خروج تئوری های علمی صحیح تر از تئوریهای علمی کمتر صحیح ترسیم مینماید و بار دیگر بضرورت توالی حالات در رشتهٔ تکامل توجه میکند و مینویسد :

تئوریهای علمی روز بروز در تغییر میباشند . افکاری که با اصول و قوانین صحیح تفکر آشنا نیستند این موضوع را دلیل بر صحت مکتب ایده آلیسم میدانند و میگویند چون حقیقت هر روز برای ما تغییر کرده ، پس حقیقت در فضایائی که درك میشوند وجود ندارد ! چه ، حقیقت ثابت است وآنچه که ثابت است مابین پس حقیقت در ماست . با اندکی تفکر بطلان این شیوه استدلال واضح میشود . یك تئوری که جانشین تئوری دیگرمیشود،نا گهان‌بظهورنمیرسد بلکه‌تئوری منسوخ شده پایه و اساس تئوری جدید ناسخ

است. اگر اولی وجود نداشت دومی بظهور نمیرسید. اگر در علوم طبیعی پایهٔ فیزیك و شیمی خود را بر ویژگی اساسی اتم لایتجزی یا تقسیمپذیر، یکشکل اجسام رادیو آکتیو که قابل تجزیه بودن اتم را ثابت میکند، موفق نمیشدیم، اگر فرض غلط عناصر اربعه، در کار نبود، فیزیك آتمیك امروز بوجود نمیآمد.

ارانی در آثار خود نشان میدهد که تاریخ بشر در یك سیر تکامل است که به طرف آزادی کار از قید استثمار میرود. وی میخواهد مردم ایران را به داشتن نظر تقاضانه بسوی نظام موجود جامعه جلب نماید و همان سخن برجسته ای را میگوید که ما آنرا در این تالار بصورت شعر ادی نصب کرده ایم:

«متوجه شدن به عیب اجتماع قدم اول آنست (« بشر از نظر مادی ») و نیز میبینید «سیر جبری تاریخ قابل انسداد نیست» (« ماتریالیسم دیالکتیك »). وی افسانه وحدت ملی را که برای خواب کردن طبقات متضاد بسود طبقات مسلط ساز میشد است افشاء مینماید و مینویسد:

«یك ملت یکدست گاه متحد و یکنواخت نیست. در داخل ملت، طبقات و مناقع متضاد نسبت اکثریت و اقلیت آنها را باید در نظر گرفت» (« بشر از نظر مادی »). ارانی رابطهٔ فرد و جمع را در جامعه بعنوان رابطه جزء با کل مورد مطالعه قرار داده مینویسد: «اجزاء پس از جمع شدن، حاصل جمع مستقلی دارند که خواص آن، نه فقط با خواص اجسام مرکب کننده فرق دارد، بلکه بستگی تامی بطرز ارتباط زمانی و مکانی آن اجزاء دارد» (« بشر از نظر مادی ») در چارچوب این ارتباط دیالکتیکی بین جزء و کل، بین فرد و جمع، ارانی فرد را متوجه وظائف خود مبارزه و میسازد: «فرد را نمیتوان مجزی و خارج از جامعه و مستقل فرض کرد. خاصیت فرد وقتی مشخص میشود که مقام آن در دستگاه جامعه معین باشد» (« بشر از نظر مادی »)

توجه داشته باشید که ارانی با زبان بسیار، با زبان ازوپ سخن میگفت زیرا محیط دنیا علنی بود و او میخواست در این ارگان علنی اندیشه های انقلابی خود را بیان دارد. او همه جا با عقاید متداول در میان روشنفکران عصر، با عرفان مآبی توخالی که بویژه مبلغ آن محمد علی فروغی و برادرش ابوالحسن فروغی بودند با نظریات نادرست باز گشت به دوران قبل از ماشین که در آن موقع سخت تحت تأثیر تعالیم کانفیوز از طرف شادروان کسروی بخش میشد مبارزه میکرد. از جالب «عرفان و اصول مادی» بهمین جهت نوشته شد. بهمین دلیل است که در همین اثر ارانی مینویسد:

«برای خوشبختی بشر در هم شکستن ماشین انحطاط و عقب رفتن است، یکقدم باید جلو تر رفت و موفقیت غلط ماشین را باید درهم شکست» (« عرفان و اصول مادی »)

ارانی بویژه تیزی خامهٔ انتقادرا متوجه فاشیسم میساخت که بلیه تاریك روز بود. وی تئوری نژادی روزنبرگ ایدئولوگ فاشیست آلمان را همه جا میکوبید و افسانه تهی نژاد برتر و فروتر را افشا میکرد. در آن هنگام که ارانی فاشیسم را بقدرت و صلابت میکوبید ایران یکی از تبلیغات فاشیستی بود و رژیم موجود به این امر میدان میداد. روزنامه مصور «ایران باستان» بمدیریت سیف آزاد و باشگاه علنی بهمین نام نسخه بدل ایرانی فاشیسم را عرضه میداشت و نقش «صلیب شکسته» را در کاشی کارهای دروازه دولت جستجو میکرد و میخواست برای فاشیسم ریشه ایرانی بیابد و افسانهٔ پوچ نژاد خالص آریائی پخش میشد. عمال ستون پنجم هیتلری در ایران متشکل میشدند ودولت وقت که هر گونه تجمعی را جرم لایغفر میشمرد، با نظر اغماض و هوا داری باین جریان میگذریست. افشاء گری ارانی برای او سرانجام به پهای جان تمام شد ولی تاریخ نشان داد که چقدر ارانی در این افشاء گری خود ذیحق بود. تاریخ پیروزی معنوی را بنام ارانی نوشت و فاشیسم را در تنگنا ابد مدفون ساخت. اهمیت افشاء گریهای ارانی امروز که نئوفاشیسم از طرف امپریالیسم و محافل ارتجاعی ایران با اشکال دیگری میان آورده میشود، اهمیت و فعلیت خود را حفظ میکند، نباید فراموش کرد که هیئت حاکمه کنونی ایران پان ایرانیسم را که شکل نئوفاشیسم ایرانی است به رتبه یك ایدئولوژی رسمی مورد حمایت رژیم اوج داده است.

در دفاعیه قهرمانانه ارانی در دادگاه جنائی تهران جهت علمی و انقلابی ارانی، در جهت پیگیر و جدائی ناپذیر شخصیت وی اوج تلاؤ رسید. این دانشمند مجاهد دراین دادگاه ستم با همان عظمتی رفتار کرد که شهیدان بزرگ کنجلم، انتقچیوردانو برونو و تمازو کامپانلا رفتار کردند. وی ثابت کرد که نه فقط ازجهت شخصیت عقلی خود بلکه ازجهت سجیه انسانی خویش انسان بزرگی است واز آنجا که اجتماع این دو مبداء در تاریخ نادر است بعون تردید میتوان گفت که ارانی ازبزرگان تاریخ ما و تاریخ معاصر است.

دفاعیه ارانی در دادگاه عزم شوم جلادانش را برای نابود کردن وی جزم کرد. آنها دانستند که در وجود ارانی جنبش رهائی بخش مردم ما رجل نیرومندی پدید آورده است که نباید او را در عرصه زندگی باقی گذاشت.

با آنکه ترویج مارکسیسم ـ لنینیسم پیش از ارانی بوسیله نشریات مارکسیستی در ایران و خارج از کشور کسانیش انجام گرفته و برخی آثار کلاسیکهای مارکسیستی ترجمه شده بود، با اینحال باید گفت ارانی این کار را با کیفیت و عمق اسلوبی ویژه و نافذ انجام داد و میتوان او را در این زمینه طلایه داری بی رقیب دانست.

ارانی از آن کسانی بود که بحقیقت علمی و عدالت اجتماعی عشق میورزید و در سر این سودای عالی از همه نعمات عادی زندگی گذشت و به جاودانان تاریخ پیوست و وارد بارگاه افتخار ابدی شد. بهمین سبب روز شهادت او روز شهیدان است. ما نام شهید را بکسی اطلاق میکنیم که در راه

دنباله از صفحه ۲

روش ضد توده‌ای و ضد شوروی

همکار ارتجاع در ایران کیست؟

ظاهراً مائوئیستهای رنگارنگ ایرانی نیز این واقعیت را می بینند و بهمین جهت است که در مباحثات شفاهی دیگر بدفاع آشکار از سیاست گروه مائوئیسه دون، که قابل دفاع نیست، نمی پردازند. ولی همین مائوئیستهای رنگارنگ ایرانی که حزب ما را به «فقدان استقلال در اندیشه و عمل» متهم میکردند اینك در نوشته های خود بنده وار و بطرز مشئز کننده ای هر کلمه و هر جمله ای را که در مطبوعات پکن پخش میشود طوطی وار تکرار میکنند و در صدد «اثبات» آن بر میآیند. درست بهمین دلیل هیستری ضد شوروی همراه با هیستری ضد توده ای «مائوئیستهای رنگا رنگ ایرانی را نیز فرا گرفته است. این به اصطلاح قهرمانان مبارزه با امپریالیسم و رژیم شاه، اینها که ما را به «سازش» با رژیم متهم میکنند اینك اولین سخنانشان و مهمترین بحثشان و عمده نوشته ها و گفته هایشان بر ضد امپریالیسم و ارتجاع ایران نیست بلکه بر ضد اتحاد شوروی و حزب توده ایران است.

هیستری ضد شوروی و ضد توده ای مائوئیستهای رنگارنگ ایرانی هم البته نشانهٔ ضعف و از هم پاشیدگی و ورشکستگی

دنباله از صفحه ۶

بیکاری روز افزون

درسالهای اخیر کنسرسیوم نفت هزاران کارگر خود را به خیابان ریخته است. کارگاهها وکارخانه های زیادی نیز که نتوانسته اند در مقابل هجوم کالاهای خارجی به بازارهای ایران مقاومت کنند تعطیل شده اند. مهاجرت روستائیان آواره و بیکار از روستا ها به شهر ها و از شهر های کوچك به شهر های بزرگتر ادامه دارد. رژیم ایران منکر وجود بیکاری است ولی چهره دژم آن در هر گام دیده میشود.

ا. فروزان

آرمان خلق آگاهانه جانبازی کند. درتاریخ کشور ما کارنامه شهیدان با نام مزدك ها و بابك ها آغاز میشود و در دوران ما به ارانی ها و روزبه ها و دیگر شهیدان ارجمند حزب و نهضت میرسد. شاید همه کسانی که در این جاده مقدس پای گذاشته اند دارای عظمت و شخصیتی یکسان نباشند ولی همه از محبت و عشق وسپاس مردم برخوردارند و منبع الهام بهترین و روشن ترین احساسات انسانی، دلیرانه ترین و والا ترین اعمال حیاتی هستند. بهمین سبب دریابان این سخن بجاست بگوئیم:

درود پرشور و افتخار جاوید بهمه شهیدان حزب و نهضت رهائی بخش ایران که در راه عدالت و حقیقت اجتماعی، زندگی این گرانبهاترین سرمایه را نثار کردند!

سخنرانی رفیق احسان طبری در جلسه یاد بود دکتر تقی ارانی

آنهاست. انشعاب در انشعاب، گروه بندی در گروه بندی، توخالی در آمدن شعار های نادرست ماجراجویانه همه نشان دهنده آنست که اینها هم گوهی بودند (بمقیده خودشان) و موشی زائیدند!

ولی روش ضد توده ای و ضد شوروی گروههای رنگا رنگ مائوئیستی در عین حال کمك مستقیم به امپریالیسم و ارتجاع است. زیرا مگرنه اینستکه آنها تفرقه و پراکندگی و نشتت فکری و سازمانی اپوزیسیون ضد رژیم را تشدید کردهاند؟ مگر نه اینستکه آنها سازمانهای دانشجوئی را در خارج از کشور به تلاشی نزدیك کردهاند؟ مگر نه اینستکه آنها، درست مانند رژیم، لهٔ نیز حمله خود را بسوی حزب توده ایران متوجه کردهاند؟ مگر نه اینستکه آنها هم مانند امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خود را اتحاد شوروی اعلام کردهاند؟ اینها واقعیاتی است که با هیچ چشم بندی، با هیچ سفسطه و اتهام و نامزائی، با هیچ اغلابیگری کاذبی نمیتوان آنرا پوشاند.

ما باز هم هشدار میدهیم

هشدار مجدد ما برای آن نیست که مائوئیستهای رنگارنگ ایرانی میتوانند سد راه پیشرفت مثبی واقعاً انقلابی حزب توده ایران گردند. این را آنها هم مانند اسلاف خود آزمودند وخیلی زودسرشکست وورشکست شدند. این هشدار برای گردانندگان گروه های مائوئیستی هم نیست که گوش بفرمان پکن دادهاند و همه پلها را پشت سر خود شکستهاند. هشدارما برای آن گروهوائاتی است که احساسات میهن پرستانه و انقلابی آنان مورد سوء استفاده قرار گرفته، برای کسانیست که در جستجوی راهی برای آزادی میهن ما بدام شیادان افتادهاند. اینها هستند که باید بخود آیند و دوست و دشمن واقعی اندرایم را هم تمیز دهند، فریبکاری ظواهر را کردند، عمق وقایع و سیاستها را ببینند و درك کنند و نیروی خود را، که جنبش بدان نیاز فراوان دارد، بهدر ندهند.

ما از مبارزهٔ قاطع و آشتی ناپذیر با منحرفان مائوئیست و همه کسانیکه روش ضد توده ای و ضد شوروی در پیش گرفته اند، بهیچ شکل کمدرآیند یك لحظه هم بازنخواهیم ایستاد. ما در عین حال تمام نیروی خود را بکار خواهیم برد تا جوانان میهن پرست و انقلابی را از دامهای گوناگونی که درپراپر آنها گسترده اند، پر حذر داریم و به آنها کمك کنیم تا به مبارزان جنبش امیل و واقعی انقلابی میهن ما تبدیل گردند. ماتردید اندرایم بهمان دلیل که مائوئیستهای رنگارنگ ایرانی و همه منحرفان ضد توده ای و ضد شوروی روز بروز و علیرغم تشدید حملات خصمانه آنها به حزب ما و اتحاد شوروی، ورشکسته تر میشوند، مشی انقلابی حزب ما و حزب کمونیست اتحاد شوروی برغم دشواریها و پرتنجیها صحت و درخشندگی خود را بیش از پیش ثبوت خواهد رساند. (م. اتوشه)

بیکاری روز افزون

در بارهٔ تعداد بیکاران در کشور ما آماری وجود ندارد. کوشش میشود در این زمینه کمتر سخن گفته شود. رژیم ایران تصور میکند اجلو گیری از بیان حقیقت میتواند حقیقت را پنهان دارد. همه جا سخن از رفاه و سعادت مردم است. دستگاههای تبلیغاتی شاه در شیپور خود میدمند که در ایران «معجزه‌ای بزرگ» صورت گرفته است، انقلاب سفید همایونی به بیکاری، فقر و پریشانی مردم پایان داده است.

ولی چهره عبوس فقر همه‌جا دیده میشود. سپاه عظیم بیکاران همچنان در جستجوی کار و نان شهرها و روستا های ایران را میپیماید. در شهریور امسال سیناری پیرامون «برآورد نیروی انسانی» در تهران تشکیل شد. شرکت کنندگان در سمینار با وجود کوششی که در توجیه علل بیکاری در ایران بعمل آوردند به یکسلسله حقایق نیز در باره «موقعیت نامناسب نیروهای فعال کشور» اشاره کردند. در سمینار گفته شد: جمعیت ایران با سرعت رشد میابد بنحوی که احتمال میرود طی بیست سال آینده ۱۳۴۵ - ۱۳۶۵ از حدود ۲۶ به حدود ۵۱ میلیون نفر بالغ گردد، یعنی تقریباً دو برابر شود. در حالی که امید کاریابی در سالهای آینده همچنان ناچیز خواهد بود...

«جمعیت ایران بسیار جوان است بنحوی که ۵۵ در صد افراد آن کمتر از ۲۰ سال دارند و میزان فعالیت عمومی در آن بالنسبه قلیل و در حدود ۳۱ در صد است. حال آنکه در سراسر جهان بیش از ۴۲ درصد کل جمعیت بعنوان جمعیت فعال بحساب میاید. این نسبت در اروپا حتی از ۴۵ درصد متجاوز است... میزان تکمل در جامعه ایران بالا است و فقط یك نفر از ۳ نفر کار میکند تا معاش دو نفر دیگر را تأمین نماید...»

موضوع قابل توجه این است که در همین جمعیت فعال بالنسبه قلیل «کودکان و نوجوانان کمتر از دهسال هنوز نسبت قابل ملاحظه ای را تشکیل میدهند (۱ر۱). روشن است که بهره وری کار کودك و نوجوان قلیل است و خود از قدرت مجموع نیروی کار بوجه نمایان میکاهد.

سمینار تأکید کرد که مشارکت زنان در قدرت فعالهٔ کشور محدود است. آمار - گیری سال ۱۳۴۵ حدود ۷۷ در صد مردان وفقط ۱۲ر۲ درصد زنان را از نظر اقتصادی فعال شمرده است.

سمینار برای اولین بار به مسئله بیکاری پنهان و آشکار در ایران اشاره کرد. هر چند آماری که قرائت شد سطحی و ناقص بود با اینحال ترسیم نارونشی از وضع بیکاری در کشور نشان میداد. گفته شد: «در سال ۱۳۴۵ از کل جمعیت فعال کشور (۷ر۶ میلیون نفر) تقریباً ۹ در صد بیکار بوده است یعنی (۶۹۱۴۰۰ نفر)... آمار سال ۱۳۴۵ تعداد دیپلمه های بیکار را نیز ۲۳۴۰۰ نفر اعلام کرده است. در سمینار گفته شد: «تخمین وسعت بیکاری پنهان و یا کم کاری آسان نیست. بر طبق بررسی های سال ۱۳۴۵ حدود ۱۱۴۸۰۰۰ نفر از کارکنان مملکت در هفته کمتر از ۳۶ ساعت کار میکردند اند».

سمینار به بررسی وضع حاضر نپرداخت. گفتند آماری در دست نیست. ضمناً شرکت کنندگان درسمینار نمیخواستند نقاب ازچهرهٔ رژیم بردارند و تابلوی رفت بار زندگی مردم را در مقابل گردانندگان آن قرار دهند.

در سالهای اخیر دیده میشود دستگاه های دولتی ایران کوشش میورزند سخنی در باره بیکاری گفته نشود. چند سال پیش فقط بکبار عطاء اله خسروانی وزیر کار اعتراف کرد که در ایران بیش از یك میلیون نفر بیکار وجود دارد، پس از آن گوئی استعمال واژه «بیکاری» ممنوع شد. سخن از «بیکار گی» بمیان آمد. گردانندگان رژیم بکباره منکر وجود بیکاری شدند.

سالهاست که دیگر سخن از «سپاه عظیم بیکاران» نیست. شاه حتی گفته است: «فقط تن پروران از بیکاری مینالند».

با اینحال بیکاری وجود دارد و چهرهٔ عبوس آن در هر گام دیده میشود. طبق آماری که توسط وزارت کار و خدمات اجتماعی منتشر شده است از سال ۱۳۴۶ تا شهریور ۱۳۴۸ فقط ۸۱۲ جوان دیپلمه و لیسانسیه توانسته اند در دستگاههای دولتی برای خود کار بیابند.

دولت ایران با تورم کارمند روبروست و سازمانهای وابسته بآن جز با پارتی و پول کسی را استخدام نمیکنند. صنایع وابسته و موتاژ ایران نیز که دراطراف آن بشدت تبلیغ میشود قادر نیست سپاه عظیم بیکاران را جذب کند در ایران سخن از بیکاری نیست، ولی سران رژیم چپ و راست بمردم وعدهٔ کار میدهند.

روز ۲۳ بهمن ۱۳۴۶ شاه در وین بدانشجویان گفت: «در سالهای آینده یك میلیون شغل در انتظار جوانان کشور است. در سال آینده (منظور سال ۱۳۴۷ است) حد اقل ۱۰۰۰۰۰ جا برای استخدام جوانان بوجود خواهد آمد.

دهها هزار جوان بیکار ایرانی که سالها در پی بدنبال کار میگردند و صد ها جوانیکه طی ده سال اخیر بایران باز گشته اند و نتوانسته اند کاری برای خود بیابند میتوانند بگویند این ادعا تا چه حد بحقیقت پیوسته است. برای آنکه منظره ای از بیکاران را در ایران نشان دهیم به چند نمونه کوچك اشاره میکنیم. مجله تهران اکونومیست در شماره ۸۰۳ خود نوشت، سازمان تعاونی کشور به ۱۶۰ نفر برای آموزش در کلاس های تخصصی تعاونی احتیاج داشت. یکهزار و ششصد نفر در استادیوم محمد رضا شاه و سالن ورزشی فرح جمع شدند.

روزنامه دیپلمات مینویسد: شرکت ساختمانی ارفع اعلام کرد بیو جوان با سواد احتیاج دارد. فردای آنروز بیش از ۴۰۰ نفر جلوی دفتر شرکت جمع شدند. روزنامه کیهان نوشت، سازمان تبلیغاتی خروس طلائی یك کارمند احتیاج داشت تعداد داوطلبان بقدری بود که راه عبور و مرور را بند آوردند.

در کنکور امسال دانشگاههای سراسری کشور بنا بنوشته روزنامه های ایران ۴۸۰۰۰ جوان شرکت کردند. تنها ۷ هزار نفر آنها قبول شدند و بقیه به اردوی بیکاران پیوستند. چهره مخوف بیکاری در شهر های کوچك و روستاها عیان تر بچشم میخورد. روزنامه کیهان در شماره ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۸ خود نوشته است: «در غالب شهرها وروستا ها تعداد افراد بیکار بر عدم شاغلان میچربد و از همین روست که فقط ۷ میلیون ایرانی بنحوی از انحاء به فعالیت مشغولند و از این راه درآمدی عاید خود میکنند.»

در بهار سال ۱۳۴۸ بیش از ۳۴۰۰ جوان ایرانی تحصیلات خود را در کشورهای خارجی پایان دادند. بسیاری از آنها بکشور خود باز نگشتند. آنها با تمام علاقه ایکه به زادگاه خود داشتند ترجیح دادند در خارج بمانند زیرا میدانستند رژیم شاه جز سرمازخانه و زندان چیزی برای آنها ندارد.

یك نمونه دیگر اشاره میکنیم:

در کنکره استخدامی کشور که امسال برای اولین بار تشکیل شد پیش از ۲۸ هزار جوان بیکار شرکت کردند. اینها کسانی بودند که خود را واجد شرایط دشواری میدانستند که گردانندگان کنکره دولتی اعلام کرده بودند. پس از یکماه فقط از ۳۷۱ نفر آنها برای کار دعوت شد. این وضع جوانان تحصیل کرده است. بیکاری در میان توده مردم عمیقتر است. در آذر ماه امسال رئیس دفتر شکایات مجلس شورایملی اعلام کرد: «در روز بطور میانگین ۳۰۰ نامه بدفتر شکایات مجلس میرسد. سی تا چهل در صد این نامه ها درخواست کار است. «هویدا در آخرین مسافرت خود به آذربایجان ۲۸۴۲ نامه شکایت دریافت کرد. خود او گفت: «اکثر آنها کار میخواهند که ما دستور داده ایم رسیدگی کنند.» بازرسی شاهنشاهی نیز بنا بگفتهٔ رئیس آن در ماه بطور متوسط ۵۰۰ نامه دریافت میکند که بسیاری از آنها درخواست کار است.

وجود صدها هزار بیکار در ایران زمینه مساعدی برای سازمان های دولتی و مؤسسات خصوصی جهت بهره کشی و سوء استفاده از این نیرو فراهم آورده است. بانك های خصوصی دیپلمه های جوان را با دستمزدهای ناچیز استخدام میکنند و پس از مدتی فقط برای آنکه چیزی به حقوق آنها اضافه نکنند اخراجشان میکنند. شرکتهای دولتی، مقاطعه کاران، مؤسسات خصوصی، کارگاهها، کارخانه ها و حتی ادارات دولتی از این نیروی ارزان کار بطرق مختلف استفاده میکنند آنها از میان هزاران کارگر بیکار، دو یا سه نفر را استخدام میکنند، از میان صد ها تقاضای کار یك یا دو تقاضا را مورد توجه قرار میدهند. از صد ها و هزار ها جوانی که برای کار مراجعه میکنند فقط یك یا دو نفر را میپذیرند. طبیعی است مؤسسات دولتی و خصوصی با در نظر گرفتن هزاران دستی که بسوی آنها دراز شده است آخرین دستمزد را به بهترین کارگر و یا کارمند پیشنهاد میکنند.

دنباله از صفحه ۵

دنباله از صفحه ۳

ضرورت تاریخی

آلمان غربی در زمینه صدور کالا بایران که اکثراً کالاهای مصرفی است در میان تمام کشورهای جهان جای اول را اشغال میکند. کل صادرات آلمان غربی به کشور های دیگر جهان در سال گذشته ۱۸ میلیارد مارك بود و یك میلیارد و دویست میلیون مارك آن تنها بایران وارد شد. ولی صادرات ایران بآلمان طی آنسال فقط ۷۱ میلیون مارك یعنی در حدود ۱۷ بار کمتر از واردات آلمان بایران بود و این نمونه ایست که ماهیت غارت گرانه روابط اقتصادی کشورهای امپریالیستی با ایران از یکسو و ماهیت ضد ملی سیاست رژیم کنونی را آشکارا نشان میدهد.

روابط اقتصادی و بازرگانی ایران با جمهوری دمکراتیك آلمان با وجود دامنه محدود آن برای رشد اقتصادی و صنعتی ایران اهمیت فراوان داشت. جمهوری دموکراتیك آلمان در مقابل صدور خشکبار و پشم و موی بز که در آلمان غربی و سایر کشورهای اروپای غربی با بازار ندارد یا بازار آن محدود است انواع ماشین آلات مدرن صنعتی و کشاورزی که ایران بآنها نیاز فراوان دارد صادر میکرد. مصالح حیاتی ایران ایجاب میکرد که دامنه این روابط بیش از پیش بسط یابد و در پرتو آن ایران از کمکهای اقتصادی و علمی و فنی این کشور مدرن صنعتی سوسیالیستی اروپا برای پیشرفت خود بهره مند گردد، ولی دولت ایران بجای بسط این روابط به قطع آن پرداخت و بدینسان بار دیگر علیرغم کر و فر در زمینه پیروی از «سیاست مستقل ملی» وابستگی کامل خود را به سیاست تجاوزکارانه امپریالیستی ثابت کرد.

آلمان سوسیالیستی اکنون در میان پیشرفته ترین کشورهای صنعتی جهان جای دهم را دارد و عامل مهم مبارزه در راه صلح و امنیت اروپاست. جنبش شناسائی این جمهوری شکوفان سوسیالیستی علیرغم تلاشهای بن و واشنگتن و پیروان آنان در تهران روز بروز دامنه وسیعتری بخود میگیرد.

شناسائی آلمان سوسیالیستی حکم زمان است و زندگی به مخالفان این راه پوزخند خواهد زد.

بیکار

کودتای نافرجام ارتجاع و امپریالیسم

در جمهوری عراق

جریان توطئه

شب ۲۱ ژانویه کودتا - چیان مرکب از عناصر فوق العاده ارتجاعی، افسران سابق ارتش دیوی السعید، تو کران شرکتهای نفتی یعنی عوامل مغرب امپریالیست های امریکائی و انگلیسی که عده ای از افسران ارتش عراق را بانواع حیل با خود همراه کرده بودند، دست بکار شدند. رهبران توطئه که از مدتها پیش مقدمات کار را تهیه دیده بودند، بطرف کاخ ریاست جمهوری رفتند و بمأمورین کاخ تهاجم کفتند و درهمان موقع توقیف شدند. در واقع یکی ازافسران بهمن دوست که خود را در میان آنها جا کرده مورد اعتماد آنها قرار کرفته بود آنها را بدام انداخت. دولت عراق بسرعت چهل و چهار نفر از توطئه کران را محاکمه و در ۴۸ ساعت اعدام نمود و با ضبط سلاح هائی که از طرف مامورین سیا و ساواک در اختیار کودتاچیان کذاشته شده بود، خطر را در نطفه خفه کرد، صد ها مسلسل وصدها هزار کلوله ساخت آلمان غربی توقیف و در معرض تماشا کذاشته شد. بنظر میرسد که کودتاچیان در کار خود عجله کرده باشند. کشف توطئه که طبق نظر مقامات رسمی دولت عراق با کمك سازمان امنیت ایران و دستگاه جاسوسی امریکا ترتیب داده شده بود، موجب شد که دولت عراق فراخواندن عاملی سفیر، سرهنگ علائی وابسته نظامی و داود طاهر دبیر سوم سفارت ایران وهمچنین بستن تمام کنسولکریهای ایران را در عراق ظرف ۲۴ ساعت ضمن اعتراض شدید بدخالت آنها در امور عراق، از دولت ایران بخواهد. دولت ایران نیز باین اقدام دولت عراق اعتراض و متقابلا سفیرعراق و اعضاء سفارت ومأمورین کنسولکری های عراق در ایران را اخراج کرد و با اعزام نیرو های نظامی بیشتری به مرز های عراق دست یازید.

چرا توطئه کردند؟ - اقدامات دولت عراق در زمینه سیاست نفت ملی، اجرای اصلاحات ارضی، پرسیبیلا شناختن جمهوری دموکراتیك آلمان، تحکیم و بسط مناسبات دوستانه با اتحاد جماهیر شوروی، بستن قرار دادهای اقتصادی با کشور های سوسیالیستی از جمله قرار داد استخراج گوگرد بالهستان آغاز مذاکره با حزب کمونیست عراق مخصوصاً اقدامات جدی برای حل مسئله کرد که تا کنون قدمهای امید بخشی در راه حل آن برداشته شده، ارتجاع و امپریالیسم و متحدین آنها حکومت اسرائیل و ایران را بر آن داشت که قبل ازپایان قطعی اختلافات بین دولت عراق و بارزانی، حکومت عراق را سرنگون کنند و رژیم دلخواهی بجای آن بنشانند. رئیس جمهور عراق احمد حسن البکر در مینیتك بزرگی که بمناسبت درهم شکستن توطئه در بغداد تشکیل شده بود، گفت که امپریالیسم بین المللی و ارتجاع داخلی توطئه چیدند تا دست آورد های مردم عراق را نابود کنند و عراق را بار دیگر زیر یوغ بندگی امپریالیسم در آورند. این مینیتك بدنبال تظاهرات عمومی مردم بغداد هنگام تشییع جنازه دو نفر از سربازان که بدست توطئه کران کشته شده اند، تشکیل کردید.

حل مسئله کرد - اینك چند هفته است که بین حکومت عراق و بارزانی مذاکرات برای حل مسئله کرد با موفقیت جریان دارد و پیشرفت میکند و امید است که بزودی مرحله قطعی و نهائی خود برسد. هم اکنون طرفین بموافقتهائی رسیده اند که بر اساس آنها میتوان طرح مشخصی برای اجرای تصمیمات در چند مرحله تنظیم کرد. وجود اختلافات و زد و خورد مسلح یا کرد ها باعث شد که حکومتهای عراق ظرف مدتی قریب به نه سال یك میلیارد و پانصد میلیون دلار صرف جنگ داخلی کنند. بخوبی روشن است که با حل مسئله کرد بار سنگین هزینه نظامی ازدوش مردم برداشته و حکومت عراق از هر جهت تقویت خواهد شد. سدام تکریتی معاون شورای انقلابی عراق چندی قبل در مصاحبه با مخبر پراودا در این باره اظهار داشت که در حال حاضر وضع کشور ما بجائی رسیده که حل مسئله کردستان و حل سرنوشت تمام مردم بهم مربوط است. تکریتی اضافه کرد ما هدفمان طبق مقتضیات روز نیست بلکه حل اساسی مسئله است. ما باید آنرا برای ابد حل کنیم تا نسل آینده از این بابت رنج نکشد. مخبر پراودا با ملا مصطفی بارزانی نیز مصاحبه کرده و اظهارات او را چنین نقل میکند: حل مسئله کرد بایستی بخشی ازترقی دموکراتیك عراق باشد و باستقلال عراق کمك نماید، از روی این اظهارات میتوان دریافت که طرفین ضرورت اقدامات مثبت را برای حل اختلاف درك کرده اند. حسن البکر رئیس شورای انقلابی عراق اخیرا مفهوم اعلامیه ۱۹۶۶ دولت عراق در زمان حکومت (الزار) را برای حل مسئله کرد تأیید کرد.

اعلامیه دولت عراق - روز یکشنبه ۳۰ ژانویه ۱۹۷۰ دولت عراق از رادیو بغداد اعلام داشت:

«شورای فرماندهی انقلاب مفاد اعلامیه ژوئن ۱۹۶۶ مربوط بمسئله کرد را تأیید میکند طبق تعهد انقلاب مبنی بر حل مسئله کرد از طریق مسالمت آمیز و عادلانه و بر اساس علاقه ایکه بایجاد شرایط لازم برای اجرای مفاد اعلامیه ۲۹ ژوئن دارد، تصمیمات ذیل را اتخاذ میکند: ۱ - تمام کسانیکه در حوادث کردستان اعم از نظامی و غیرنظامی

دنباله در صفحه ۷

روش ضد توده ای و ضد شوروی

کمك مستقیم به امپریالیسم و ارتجاع است

همکار امپریالیسم کیست؟

در این اواخردر چین تمام دستگاههای اقتصادی و نظامی و تبلیغاتی به آماده کردن مردم برای «جنگ» مشغولند، جنگی که گویا بر ضد چین تدارك میشود. در نخستین لحظه اینطور بنظر میآید که برای کشوری که خود را سوسیالیستی مینامد و امپریالیسم را منشاء جنگ میداند، تدارك کنندکان ضدجنگ چین قاعدتاً بایدامپریالیستها وقبل ازهمه امپریالیستهای امریکائی باشند و مردم چین هم باید آماده برای مقابله با امپریالیسم و دردرأس آن امپریالیسم امریکا کردند. ولی آشنائی با سیاست گروه مائوتسه دون و آنچه که در چین برای «آمادگی جنگی» میکذرد مارا خیلی زود با حقیقت تلخی روبرو میسازد. چون این به اصطلاح آمادگی جنگی نه بر ضد امپریالیسم، بلکه بر ضد اتحاد شوروی نخستین و بزرگترین کشور سوسیالیستی انجام میگیرد وبه اقشاءاهیت امپریالیسم، بلکه با سیلی از دشنام و اتهام به اتحاد شوروی همراه است. در واقع سیاست ضد شوروی گروه مائوتسه دون اوج جدیدی گرفته و به هیستری ضد شوروی تبدیل شده است.

شایان ذکر است که این هیستری ضد شوروی درست در زمانی رخ میدهد که از یکطرف بنا به انکار اتحاد شوروی و تحت فشار مقتضیات سیاسی داخلی و خارجی چین مجبور شده است بمذاکره با اتحاد شوروی برای حل اختلافات مرزی تن در دهد و از طرف دیگربس از دو سال دوباره مذاکرات چین و امریکا آغاز شده و تدارك این مذاکره با رفع برخی محدودیتهای بازرگانی و توریستی از طرف امریکا بنام چین همراه بوده است.

هیستری ضدشوروی و تدارکات جنگی بر ضد شوروی در زمانیکه مذاکرات بین شوروی و چین برای حل اختلافات مرزی جریان دارد این حقیقت را بیش از پیش بثبوت میرساند که محرك اختلافات مرزی گروه مائوتسه دون بوده و هم این گروه است که نمیخواهد و نمیگذارد که این مذاکرات به نتیجه برسد و اختلافات حل شود. علت آنهم روشن است. فلاکت و هرج و مرج ناشی از «انقلاب فرهنگی» که تمام شئون اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی را فرا گرفته، گروه مائوتسه دون رابرآن داشته است که برای انحراف افکار عمومی مردم چین یك دشمن خارجی، که در صدد حمله به چین است بتراشد و این دشمن خارجی در جار چوب سیاست گروه مائوتسه دون البته اتحاد شوروی است! اینها همه البته نشانه ضعف است. حاکی از مشکلات گوناگونی است که چین در نتیجه سیاست ضد انقلابی گروه مائوتسه دون با آن روبروست. ولی این سیاست عیناً زیان بخش است و قبل از همه دود آن بچشم مردم چین میرود. زیرا آنها هستند که باید بار سنگین مشکلات اقتصادی را بدوش بکشند و با محرومیتهای گوناگون دست بگریبان باشند. آنهاهستند که باید خفقان ناشی از دیکتاتوری نظامی مائوتسه دون را تحمل کنند. آنها هستند که باید از دوستی با سایر کشورهای سوسیالیستی و قبل از همه اتحاد شوروی محروم کردند، و عواقب خطرناك آنرا بپذیرند.

سیاست گروه مائوتسه دون ضمناً کمك مستقیم به امپریالیسم و بیش از همه به امپریالیسم امریکاست. زیرا مگر نه اینستکه از ضعف سیاسی و اقتصادی و نظامی چین، از به اصطلاح سوسیالیسمی که در چین توسط گروه مائو تبلیغ میشود، از روش ماجراجویانه و سکتاریستی چین در سیاست خارجی، از اختلاف و انشعاب در جنبش جهانی کمونیستی از اختلاف مرزی و برخورد نظامی با اتحاد شوروی، و بالاخره از این هیستری ضد شوروی فقط امپریالیسم ودر درجه اول امپریالیسم امریکاست که سود میبرد؟ مگر زمامداران امریکا بارها نگفته اند که از «موقعیت طلائی» اختلاف بین شوروی و چین باید حد اکثر استفاده را کرد؟ مگر تلاش دولت نیکسون برای نزدیك شدن به چین در جهت اجرای همین نقشه نیست؟ اشتباه نشود. ما کاملا موافقیم و لازم میدانیم که چین هم سیاست خارجی خود را بر پایهٔ همزیستی مسالمت آمیز قرار دهد و بر این پایه با تمام دولتها و ازجمله امریکا مناسبات اقتصادی و سیاسی وفرهنگی داشته باشد.

بنابر این صحبت بر سر این نیست که چرا چین با کشور های امپریالیستی روابط سیاسی و بویژه اقتصادی و بازرگانی دارد و میکوشد داشته باشد؟ سئوال اینستکه چرا اتحاد شوروی که بار سنگین مقابله و مقاومت و مبارزه بر ضد امپریالیسم در درجه اول بر دوش اوست اگر همین سیاست همزیستی مسالمت آمیز را، که شکلی از مبارزه طبقاتی در صحنه جهانی است، دنبال کند «روزیونیست و همکار امپریالیسم امریکا» است؟ چرا چین بجای آنکه لبه تیز حمله را متوجه امپریالیسم و امپریالیسم امریکا سازد عملا حملات خصمانه خود را متوجه اتحاد شوروی کرده است؟ آیا این همکاری با امپریالیسم امریکا نیست که آشکارا دشمن اصلی خود را اتحاد شوروی اعلام کرده و تمام نیروی سیاسی و اقتصادی و نظامی و تبلیغاتی خود را بطور عمده متوجه اتحادشوروی کرده است؟

آیا دیگر هیچ سفسطه‌ای، هیچ جمله پردازی انقلابی میتواند ماهیت شوونیستی و هژمونیستی سیاست گروه مائوتسه دون و همکاری عملی آنرا با امپریالیسم امریکا بر ضد اتحاد شوروی بپوشاند؟

دنباله درصفحه ۵

یادی از

جنبش دموکراتیك مهاباد

دوم بهمن ماه را خلق کرد بمثابه روز پر افتخاری در تاریخ مبارزهٔ خود یاد میکند. ۲۴ سال قبل دوم بهمن ماه سال ۱۳۲۴ خلق کرد با حمایت نیرو های مترقی و دمو کراتیك ایران به سلطه سیاه حکومت ارتجاعی تهران پایان دادو امور داخلی خود را در گوشه‌ای از میهن بدست گرفت.

بلند گویان هیئت حاکمه‌ی ایران همواره میکوشند که جنبش رهائی بخش خلق کردرا تخطئه نمایند. ولی فاکتهای تاریخی جنبش سال ۱۳۲۴ وپس از آن بنحو بارزی خلاف این ادعا را ثابت میکنند.

جنبش مهاباددر مبارزهٔخلق کرددارای اهمیت ویژه‌ای است که نکات اساسی آن باختصار یاد آوری میشود:

برای اولین بار در تاریخ مبارزه‌ی خلق کردیك جنبش ملی و دمو کراتیك بود، که هدفهای مبارزه ودوست و دشمن آنرا از لحاظ داخلی و خارجی منجرا تعیین کرده بود. تحت رهبری یك حزب دمو کرات اداره میشد که‌دارای برنامه‌ی مترقی بود و نیروی اساسی آنرادهقانان وزحمتکشان کرد تشکیل میدادند. در کردستان، بدست آوردن حقوق ملی، آزادی زحمتکشان، احیاء و توسعهٔ زبان و ادبیات و مدارس و مطبوعات و فرهنگ کردی ایجادبخشهای خدمات عام المنفعه برای زحمتکشان رونق اقتصاد و بازر گانی، و در داخل ایران دوستی و همکاری با خلقهای ایران، مبارزه مشترك در راه دموکراسی و آزادی سراسر کشور، هدفهای اساسی جنبش دوم بهمن را تشکیل میدادند. در عرصهٔ جهانی مبارزه علیه فاشیزم و امپریالیزم، همکاری با خلقهای صلح دوست، و دوستی و همبستگی با اتحادجماهیر شوروی را اساس پیروزی میدانست.

جنبش دموکراتیك کردستان از یکطرف مورد حمایت نیرو ها و احزاب ملی و مترقی کشور واقع گردید، و از طرف دیگر ارتجاع ایران و دربار سلطنتی و امپریالیستهارا بوحشت انداخت. دستگاههای تبلیغاتی حکومت مرکزی مانند گویان امپریالیزم بمنظور مشوب ساختن افکار عمومی و تدارك حمله برای سر کوب جنبش دست به یکرشته تبلیغات سرا پا تهمت و افترا زدند.

حزب دموکرات کردستان در همان اوان تأسیس خود برهبری قاضی محمداعلام داشت که‌جنبش دمو کراتیك کردستان بمنظور تقویت مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ایران و تأمین حقوق ملی خلق کرد، در چارچوب جغرافیائی کشور ایران بوجود آمده است.

در اولین اعلامیه‌ی حزب دمو کرات کردستان، مورخه‌ی ۲۵ امرداد سال ۱۳۲۴ پس ازاشاره‌بزندگی طاقت فرسا و محرومیتهای خلق کرد و ستم حکومت مر کزی چنین میخوانیم، خلق کرد در داخل حدود دولت ایران برای انجام کار های محلی خویش باید آزاد باشد. و در حدود دولتی ایران دارای خود مختاری باشد. بر اساس قانون اساسی باید انجمنهای ایالتی کردستان زودتر انتخاب شوند و کار های اجتماعی دولتی را تحت نظر داشته باشند.»

بدین سان برخلاف تبلیغات ارتجاع هدف جنبش دمو کراتیك مهاباد، نه تنها تجزیه‌طلبی نبوده بلکه یك نهضت ضد استعماری ودمو کراتیك بود، که برای بدست آوردن حقوق ملی در چار چوب یك ایران آزاد ومستقل و دمو کراتیك مبارزه میکرد.

حمایت نیرو های مترقی کشور ازجنبش دمو کراتیك مهاباد، بویژه پشتیبانی حزب تودهٔ ایران و نمایندگان آن حزب در مجلس چهاردهم ازحقوق خلق کرد و حکومت مهاباد شرکت حزب دمو کرات کردستان در جبههٔ مؤتلفه احزاب آزادیخواه (خرداد ماه) همه و همه گواه بارزی است بر پوچ بودن تبلیغات و ادعای ارتجاع و حکومت ضد ملی ایران و عادلانه‌بودن جنبش دمو کراتیك کردستان. حکومت ملی که در اثر جنبش دمو کراتیك مهاباد برهبری قاضی محمد تشکیل شد، تنها در عرض یکسال گامهای مهمی را بنفع زحمتکشان کرد و انجام اصلاحات اجتماعی پرداخت. بهمین علت هم ارتجاع ایران و امپریالیستها از توسعه و همکاری جنبش خلق کرد با نهضت ضد امپریالیستی سراسر ایران بوحشت افتادند، و حکومت ایران بکمك امپریالیستهابویژه‌امپریالیسم امریکا، کردستان را مورد حمله قرار داد و با کشتار بیرحمانه و قتل دهها نفر از میهن پرستان کرد که قاضی محمد در رأس آنها قرار داشت، جنبش دمو کراتیك مهابادرا سر کوب ساخت. اگر محمد رضا شاه توانست به کمك امپریالیست ها جنبش رهائی بخش خلق کرد را در خون خفه سازد، علل زایشه ی آن جنبش امروز بعد از ۲۴ سال با شدت بیشتری در برابر چشمان خلق کردستان و مردم سراسر ایران نمایان است.

در اعلامیه‌ی حزب دمو کرات کردستان (مهر ماه ۱۳۴۷) که بمناسبت یورش وحشیانه‌ی نیروهای مسلح شاه به کردستان و قتل و اعدام دهها نفر از مبارزین کرد انتشار یافته است گفته‌میشود، «کردستان ایران باجمعیتی بیشتر از چهار میلیون نفر از ثروتمند ترین منطقه کشورماست، ولی اهمال عمدی‌دستگاه و سیاست‌تبعیض آلودش آنرا در عقب افتادگی اجباری نگاه داشته است. هشت حا که بجای تأسیس مدارس، درمانگاهها و بیمارستانها، کارخانه ها و کار گاههای صنعتی، مکانیزه کردن کشاورزی و احیاء اقتصاد منطقه، مشغول توسعه سربازخانه‌ها جاده ها و فرود گاههای نظامی است.

سیاست محروم کردن خلق کرد از تحصیل بزبان مادری و احیای فرهنگ وسنن ملی و نیز در پیش گرفتن روش اعمال فشار و ارعاب و خشونت هم ناشی از تعقیب سیاست ارتجاعی تبعیض ملی حکومت در نیمه دوم قرن بیستم است.»

بدینسان مشاهده میشود که علل پیدایش جنبش مهاباد نه تنها از بین نرفته بلکه تشدید هم شده است. خلق کرد امسال در شرایطی بیست و چهارمین سال حکومت مهاباد را یاد میکند، که هنوز خون دهها فرزند مبارز مانند شریف زاده ها، مینی ها، آواره ها، زنگنه ها، در دشت ها و کوه های کردستان میجوشد. صد ها خانواده در تبریه‌ی فرزندان خود سیاه پوش هستند. صد ها نفر از زحمت کشان کرد در زندانها و تبعید گاههای رژیم دچار سرنوشت نامعلومی شده اند.

خلق کرد از شکست جنبش مهاباد، ومهمتر از جنبش ۱۳۴۷ - ۱۳۴۶ درس های پر ارزشی گرفته است. مهمترین آنها این است که بدون سازمان انقلابی، که دارای تئوری و نظریه انقلابی باشد بدون وحدت و همکاری با سایر خلقهای ایران و نیروهای ملی و مترقی کشور بویژه بدون تکیه بر حزب طبقه کار گر ایران واتحاد با آن نمیتواند به‌حقوق ملی خویش نائل‌شود با درس گرفتن از این تجربه‌و اقعی خلق کرد همگام با همه نیرو های آزادیخواه و مترقی کشوردر راه آزادی و دمو کراسی و ایجاد یك ایران آزاد و مستقل و دمو کرات، دور از سیطره امپریالیسم و استعمار نو، و در راه بوجود آوردن‌یك حکومت ملی و دمو کراتیك که حقوق‌ملی خلقهای ایرانرا برسمیت بشناسد مبارزه خواهد کرد. و در این مبارزه از فداکاریها و جانبازیهای شهیدان جنبش دوم بهمن ماه مهاباد، و سایر شهداء راه آزادی ایران الهام خواهد گرفت.

ح. شیروان

دنباله از صفحه ۷

ارانی شعله‌ای جاوید

روانشناسی،علوم تربیتی، ادبیات،وفیزمدانشمندی، ژرف بین و مارکسیستی توجوانب از کار درآمد.

نظریات اجتماعی و عقاید سیاسی ارانی در آلمان شکل گرفت. بدینسان ارانی با مجهزشدن‌به‌جهان بینی مارکسیستی وبااندوختن تجاربی در زمینه های سیاسی و تبلیغاتی با عزمی راسخ برای اجرای نقشه هائی که در آلمان بی ریزی شده بود، در سال ۱۳۰۹ به ایران باز گشت.

بزرگترین خدمت ارانی در ایران بنیاد گذاری مجله «دنیا» در آغاز سال ۱۳۱۱ بود، مجله «دنیا» با طرح مسائل فلسفی و علمی و اجتماعی برای نخستین بار به‌تبلیغ منظم مارکسیسم در ایران پرداخت. نفوذ این مجله در میان روشنفکران و دانشجویان و بخصوص محتوی انقلابی مقالات آن، گرچه با زبان مستور نوشته میشد، هیئت حاکمه را دچار وحشت ساخت. در سال ۱۳۱۴، پس از انتشار ۱۳ شماره از انتشار بعدی آن جلو گیری بعمل آمد. ولی «دنیا» با همین شماره های معدودتوانست چه در دوران انتشار خود و چه در دوران اعتلای مجدد جنبش انقلابی در ایران، در پرورش ایدئولوژیك جوانان ایرانی نقش بزرگ ایفاء نماید.

در سال ۱۳۱۳ گروههای مختلفی از کمونیست های ایران با تشکیل یك مرکز رهبری‌در تهران، برای احیاء حزب کمونیست ایران اقدام بعمل آوردند. دکتر ارانی یکی از اعضاء سه گانه این مرکز رهبری‌بود. کار میان دانشجویان و جوانان روشنفکر به ارانی محول گردید. ارانی در جریان تدریس و ضمن‌ملاقات‌های‌خود با محصلین و دانشجویان علاقه آنان را بسوی خود جلب میکرد مستعدترین آنان‌رادر صفوف سازمان‌متشکل مباحث‌وبه‌فعالیت در میان سایر دانش آموزان و دانشجویان سوق میداد. در مدت فعالیت ارانی‌در میان‌دانشجویان اعتصاب های متعددی در دانشکده های تهران انجام گرفت که برخی از آنها با کامیابی توأم بود.

متأسفانه دوران‌فعالیت سیاسی و انقلابی ارانی در ایران بس کوتاه بود. در اوایل سال ۱۳۱۶ شهربانی با استفاده از ضعف برخی افراد، ارانی و عده زیادی از یاران او رادستگیر کردوسازمان جدید کمونیستی ایران را متلاشی ساخت.

جریان دادرسی ارانی و یارانش نشان داد که اراده انقلابیون واقعی را با شکنجه و زندان نمیتوان خم شکست. ارانی‌در دادگاهیجای دفاع شخصی به تشریح‌عقایداجتماعی خودو یارانش‌پرداخت، باطل بودن قوانین حافظ منافع اقلیت، آك دست بودن و بی اعتباری قوه مقننه، خود کامگی وفسادقوه‌مجریه و زیونی وبی‌شخصیتی قوه قضائیه را با صراحتی گوینده وشجاعتی کم نظیر نشان داد.

ارانی از عواقب این افشاگری بخوبی آگاه بود، او میدانست که قربانی قانون نامقدسی‌خواهد شد که‌جلادانی چون مختاری و پزشك احمدی تنگ یاسداری آنرا بدوش میکشند. سر سختی و پایداری ارانی خشم دژخیمان را چنان بر انگیخته بود که فقط با آلودن دستان خود به جنایتی تازه میتوانستند آتش این کینه حیوانی را فرو نشانند و سی سال پیش این جنایت بزرگ انجام گرفت.

قابل توجه!

از خوانندگان گرامی نشریات توده خواهشمندیم بهای نشریات را فقط با حواله بانکی ارسال دارند نه با حواله پستی موجب تشکر خواهد بود.

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه‌ای رخ ندهد، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بموقع اطلاع دهند.